

تاریخ پس از ظهور

شہید آیت اللہ سید محمد صدر

ترجمہ: حسن سجادی پور

Sadr, Muhammad

صدر، محمد، ۱۹۴۳-۱۹۹۸م

تاریخ پس از ظهور / نویسنده: محمد صدر؛ ترجمه: حسن سجادی پور. -- تهران:
موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.
۵۶۴ ص.

ISBN 964-6968-78-3 : ۶۰۰۰ ریال

عنوان اصلی: تاریخ مابعدالظهور.
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. محمد بن الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - ۲. دولت جهانی، ۳. حکومت
دینی، ۴. مهدویت، ۵. آخر الزمان، الف. سجادی پور، حسن، ۱۳۴۸ - مترجم، ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP۵۱/۳۵/۴ص

۱۳۸۴

۸۴-۱۸۱۶۰م

کتابخانه ملی ایران

تاریخ پس از ظهور

نویسنده	:	شهید آیت الله سید محمد صدر
ترجمه	:	حسن سجادی پور
ناشر	:	موعود عصر
سال و محل نشر	:	تهران، ۱۳۸۴
شابک	:	۹۶۴-۹۶۸۷۸-۳
شمارگان	:	۳۰۰۰
چاپخانه	:	پیام
لینوگرافی	:	موعود
نوبت چاپ	:	اول
قیمت	:	۶۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه مترجم.....	۱۱
مقدمه مؤلف.....	۱۵
بخش اول: نشانه‌ها و مقدمات ظهور.....	۳۳
گفتار اول: مبانی کلی ظهور.....	۳۵
فصل اول: ظهور امام مهدی علیه السلام و برنامه کلی الهی.....	۳۷
فصل دوم: تأثیرات غیبت کبری در دوران پس از ظهور.....	۴۱
فصل سوم: شرایط و نشانه‌های ظهور.....	۵۳
زمان ظهور به اعتبار نشانه‌ها.....	۵۸
فصل چهارم: نگاه امام مهدی علیه السلام به هستی، زندگی و قانون‌گذاری.....	۶۱
الف) دین امام علیه السلام	۶۱
ب) مذهبی که امام علیه السلام از میان مذاهب مختلف اسلامی برمی‌گزینند.....	۶۸
ج) موضع امام علیه السلام در برابر نژادپرستی.....	۷۸
د) نظام حکومتی امام علیه السلام	۸۴
فصل پنجم: برنامه الهی برای دوران پس از ظهور.....	۸۹
ارتباط دو برنامه الهی.....	۹۲
اصول کلی برنامه پس از ظهور.....	۹۳
مشکلات بر سر راه تأسیس دولت جهانی.....	۹۵
گفتار دوم: حوادث نزدیک به زمان ظهور.....	۱۰۱
فصل اول: پدیده‌های طبیعی.....	۱۰۷

۱۰۷.....	۱. گرفتن خورشید و ماه.....
۱۱۱.....	۲. هول و هراس و صدای آسمانی.....
۱۱۴.....	۳. ندا.....
۱۲۲.....	۴. پارتدگی های پی در پی.....
۱۲۵.....	فصل دوم: نشانه های اجتماعی.....
۱۲۵.....	۱. دجال.....
۱۲۵.....	الف) دجال و امت اسلامی.....
۱۲۷.....	ب) ارتباط دجال و مسیح علیه السلام
۱۲۹.....	ج) ارتباط دجال و حضرت مهدی علیه السلام
۱۳۱.....	۲. یاجوج و ماجوج.....
۱۳۷.....	چگونگی مرگ آنها.....
۱۴۰.....	۳. سفیانی.....
۱۵۳.....	۴. نفس زکیه.....
۱۶۳.....	بخش دوم: حوادث دوران ظهور و برپایی دولت جهانی امام علیه السلام تا وفات آن حضرت.....
۱۶۵.....	گفتار اول: معنای ظهور و.....
۱۶۹.....	فصل اول: معنا و چگونگی ظهور.....
۱۷۹.....	فصل دوم: زمان ظهور.....
۱۹۱.....	فصل سوم: سخنرانی امام مهدی علیه السلام در بین رکن و مقام.....
۲۲۵.....	فصل چهارم: یاران امام مهدی علیه السلام
۲۳۱.....	اهمیت و جایگاه اصحاب.....
۲۳۱.....	تعداد اصحاب.....
۲۳۳.....	چگونگی ورود اصحاب به مکه.....
۲۳۶.....	ملیت و زبان اصحاب.....
۲۴۹.....	مشکل قانونی اقامت در مکه.....
۲۵۳.....	ویژگی های یاران امام علیه السلام از دیدگاه روایات.....
۲۶۱.....	فصل پنجم: دستاوردهای قیام امام علیه السلام
۲۶۷.....	گفتار دوم: فتح عادلانه جهان.....
۲۶۹.....	فصل اول: نقطه آغازین حرکت.....
۲۷۵.....	فصل دوم: گستره حکومت امام مهدی علیه السلام
۲۸۳.....	فصل سوم: ضمانت های پیروزی امام مهدی علیه السلام

قسمت اول: ضمانت‌های موجود در دوره پیش از ظهور.....	۲۸۷
شکست نظام‌های حکومتی.....	۲۸۷
ضعف و سستی دولت‌های هم‌عصر با ظهور.....	۲۹۰
جنگ جهانی.....	۲۹۱
وجود شماری کافی از یاران مخلص.....	۲۹۶
ویژگی‌های شخص امام علیه السلام	۳۰۶
قسمت دوم: ضمانت‌های موجود در دوران پس از ظهور.....	۳۱۸
اصل غافل‌گیری.....	۳۱۸
وحشت و هراس در دل دشمنان.....	۳۲۰
ویژگی‌های دیگر یاران امام علیه السلام	۳۲۴
عنایت امام علیه السلام به مشترکات مذاهب اسلامی.....	۳۲۴
یاری فرشتگان.....	۳۲۷
فلسفه و چرایی یاری فرشتگان.....	۳۳۱
فصل چهارم: چگونگی فتح جهان.....	۳۳۵
جنگ سفیانی با امام مهدی علیه السلام	۳۳۵
ریشه کنی منحرفان.....	۳۳۹
زمان این کشتار فراگیر هشت ماه است.....	۳۵۲
فتح جهان بدون خونریزی و کشتار.....	۳۵۶
فصل پنجم: موضع‌گیری افراد در برابر امام علیه السلام	۳۶۱
واکنش‌های منفی.....	۳۶۱
واکنش‌های مثبت.....	۳۶۸
فصل ششم: مدت حکومت امام علیه السلام	۳۷۱
گفتار سوم: دولت جهانی مهدوی.....	۳۸۱
فصل اول: امر جدید و کتاب جدید.....	۳۸۳
فصل دوم: امام مهدی علیه السلام و مسائل سیاسی - اجتماعی پیش از ظهور.....	۳۹۳
فصل سوم: ضمانت‌هایی برای تحقق سریع و عمیق عدالت در جهان.....	۴۰۱
فصل چهارم: قابلیت‌های فرماندهی در یاران امام علیه السلام	۴۱۳
فصل پنجم: آزمون امام از یاران خاص و امت اسلامی.....	۴۳۵
فصل ششم: روش‌های تربیتی امام مهدی علیه السلام	۴۵۵
فصل هفتم: دستاوردهای امام علیه السلام در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی.....	۴۶۳

۴۷۱	رفتار شخصی پیشوای دولت عدل جهانی ﷺ
۴۷۴	سیاست‌های دولت مهدوی در بخش کشاورزی
۴۷۵	سیاست‌های آن دولت در بخش عمران
۴۷۷	اهمیت بخش معدن در دولت عدل جهانی
۴۷۸	سیاست‌های مالی دولت مهدوی
۴۸۳	حمایت و پشتیبانی الهی از دولت امام ﷺ
۴۸۷	دستاورد های حقوقی، عبادی، فقهی و... در دولت امام مهدی ﷺ
۴۹۲	دلایل پیروی از قضاوت سلیمان نبی ﷺ
۴۹۳	دلایل پیروی آن حضرت از قضاوت داوود ﷺ
۴۹۵	مرگ ابلیس
۴۹۹	حج در عصر مهدوی
۵۰۰	دستاورد های دولت مهدوی در بخش دانش‌های تجربی
۵۰۹	فصل هشتم: امام مهدی، مسیح ﷺ و اهل کتاب
۵۱۴	دو دیدگاه درباره منجی جهان
۵۱۴	دلایل دیدگاه اول
۵۱۴	دلایل دیدگاه دوم
۵۱۵	نقد دیدگاه اول
۵۱۷	نقد دیدگاه دوم
۵۲۷	گفتار چهارم: پایان زندگی امام مهدی ﷺ
۵۳۷	بخش سوم: جهان پس از امام مهدی ﷺ
۵۳۹	گفتار اول: ویژگی‌های دولت و جامعه
۵۴۱	الف) رجعت
۵۴۷	قرآن کریم و رجعت
۵۵۰	ب) حکومت اولیای صالح
۵۶۳	گفتار دوم: برپایی قیامت در زمان انسان‌های تبهکار و شرور
۵۷۳	کتابنامه

سخن ناشر

روند روز افزون توجه عمومی، به ویژه افشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی رسالت و مسئولیت مراکز و مؤسسات فعال در این حوزه را دوچندان ساخته و ضرورت تغذیه فکری مهدی باوران را بیش از پیش روشن نموده است.

مؤسسه فرهنگی موعود، با توجه به این ضرورت، از ابتدای تأسیس تاکنون، تولید و انتشار آثار فاخر و ارزشمند در زمینه مباحث مختلف مهدوی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده و تلاش کرده است که با توجه به سطوح متفاوت مخاطبان و نیازهای متنوع آنان، آثار تألیفی و ترجمه‌ای در این زمینه را تقدیم همه منتظران موعود نماید.

کتاب حاضر که در واقع جلد سوم از مجموعه چهارجلدی «موضوعه الامام المهدی (عج)» اثر آیه‌الله شهید سید محمد صدر (م ۱۳۷۷ ش.) است، یکی از منابع ارزشمند در زمینه معارف مهدوی به شمار می‌آید که در آن به شیوه‌ای نقادانه روایت‌های مربوط به حوادث و رویدادهای پیش و پس از ظهور مورد بررسی قرار گرفته است.

اگرچه ممکن است برخی مباحث مطرح شده در این کتاب، محل بحث و گفت‌وگو باشد، اما در مجموع این کتاب می‌تواند بخش عمده‌ای از نیازهای جامعه ما به آثار مستدل و متقن در زمینه معارف مهدوی را برآورده سازد.

در این جا لازم می‌دانیم از مترجم این کتاب، فاضل ارجمند جناب آقای حسن سجادی‌پور سپاسگزاری کرده و توفیقات روز افزون ایشان را از خداوند متعال خواستار شویم. با امید به اینکه ترجمه این اثر مورد قبول حضرت بقیه‌الله الاعظم، ارواحنا فداه، واقع شود و مورد استفاده همه منتظران آن حضرت قرار گیرد.

مقدمه مترجم

پیام‌آوران وحی الهی در طول تاریخ، همواره بشر را به تحقق عدالت برین در فراخنای زمین وعده داده‌اند و خاتم سلسله رسولان و اوصیای پاکش علیه السلام، دورنمایی از وضع موعودی را که در انتظار بشر است، ترسیم نموده‌اند. در آموزه‌های دین مبین اسلام، فضای دوران پس از ظهور، بهشتی جانفز است که از آسمان و زمینش، دروازه‌های برکات الهی گشوده است. ظهور مهدی موعود علیه السلام که گشایش کار جهانیان و میراث‌بری مستضعفان را به دنبال دارد، شاه بیت افرینش انسان و نقطه پایانی است بر همه ناراستی و نادرستی‌ها.

در این میان اما، حفظ وضع موجود، حربه شیطان و دعوت به آرمدن در بیت مظلّم نفس، شعار آن رانده لعین است. کافرکیشان زورگوی روزگار مانیز که رنوس شیاطین در این دنیای مدرن‌اند، با فروکوفتن احساسات آرمانخواهانه ملت‌های آزاده و به ویژه مسلمانان، چنین وانمود کرده‌اند که تاریخ بشر با تحقق تمدن غربی به کمال نهایی خویش نایل گشته و دیگر هیچ سرّ مگو و وضع موعودی باقی نمانده، و این تمدن در کلیت خویش پاسخگوی همه نیازهای پیدا و پنهان آدمی است. اما هرگز این ادعا نتوانسته است چهره زشت و فریبکار تمدن مغرب زمین را که طغیان و ستم جوهره اصلی اوست، فرو پوشد. نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه سکولار غرب که هم چون دملی چرکین، هر روزه بیش از پیش سر باز می‌کند و تعفن آن مشام جهانیان را می‌آزارد جایی برای این ادعا باقی نمی‌گذارد.

به راستی اضطراری که اینک اکثریت مردم جهان در بند آن گرفتار آمده‌اند چسان رفع خواهد شد؟ کجاست کوکب هدایتی تا در این شب سیاه از گوشه‌ای سر برون آرد و راه مقصود را بنمایاند؟ ناگفته پیداست در این اوضاع و انفسا سخن گفتن از موعود منتظر حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداء - تا چه مایه جذاب و شوق برانگیز خواهد بود. آری «گفتگو از امام عصر علیه السلام و انتظار ظهور مقدس او، گفت‌وگو از تاریخ فردا و تبری جستن از تاریخ سراسر دوری غرب از

ساحت عبودیت پروردگار است.»

در این میان سخن از «تاریخ پس ظهور» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پرداختن به این تاریخ به همان اندازه که جالب توجه، مهم و درس‌آموز است، به همان اندازه نیز پرجالش و آکنده از نادانسته‌هاست؛ زیرا تنها منبع فهم آن، روایات اسلامی است که تنها به گشودن روزنه‌ای محدود در برابر دیدگان ما بسنده کرده و فقط خطوطی کلی از بهشت پس از ظهور را ترسیم نموده است.

این روایات در بیشتر موارد دارای مشکلاتی از قبیل: نمادین و رمزی بودن، کلی‌گویی، وجود گسست در نقل زنجیره حوادث و... می‌باشد. از این رو در طول قرون گذشته، عالمانی که در زمینه ظهور و رویدادهای پس از آن قلم زده‌اند، جز ثبت و ضبط روایات تقریباً کار دیگری نکرده‌اند؛ چه رسد بدانکه کتابی مستقل در این باب بنگارند و به نقل و تحلیل روایات بپردازند.

کتاب *تاریخ ما بعد از الظهور* نوشته شهید سید محمد صدر که اینک ترجمه آن فراروی خوانندگان گرامی قرار دارد، کوششی است عالمانه در این راستا. این کتاب، سومین مجلد از مجموعه چهار جلدی *موسوعة الامام المهدي* علیه السلام می‌باشد که در بهار جوانی مؤلف شهیدش به رشته تحریر در آمده است. از ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به دسته‌بندی منظم روایات معتبر و مورد اتفاق و متواتر بین شیعه و سنی، بحث و بررسی درباره آنها و افزودن تأویلات و تصحیحات جدید اشاره کرد. مؤلف شهید در بررسی زندگی حضرت صاحب الامر علیه السلام به سیره عملی، جنبه‌های تاریخی و تحولات اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار نیز توجهی ویژه داشته است. همچنین سعی نموده که مطالب صرفاً جنبه نقلی پیدا نکنند بلکه در چشم اندازی منطقی و عقلی و قابل اثبات و پذیرش، از حیث تاریخی هم مورد توجه و پژوهش قرار گیرد.

ویژگی‌های یاد شده موجب گردید که آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر در پایان مقاله‌ای که به عنوان دیباچه بر این مجموعه نگاشته، چنین بنویسد: «اینک ماییم و مجموعه گرانقدری در ارتباط با امام مهدی علیه السلام که یکی از فرزندان [معنوی] و شاگردان بسیار گرامیمان علامه محقق سید محمد صدر آن را نگاشته است. این مجموعه‌ای است که تاکنون در طول تاریخ نوشته‌های شیعی مربوط به امام مهدی علیه السلام از لحاظ جامعیت و شمول، مانندی برای آن وجود نداشته است.^۱»

نگاهی به زندگی مؤلف

عالم شهید سید محمد صدر، از چهره‌های درخشان خاندان صدر است. او از یازده سالگی به تحصیل دروس حوزوی پرداخت و مقدمات را نزد پدر ارجمندش، سید ابوطالب رفاعی و شیخ حسن عاملی فراگرفت. سپس وارد دانشکده فقه نجف شد و در فلسفه، اصول و فقه نزد شیخ محمدرضا مظفر، سید محمد تقی حکیم و شیخ محمد تقی ایروانی تلمذ نمود. در این دانشکده دروس غیر حوزوی هم چون زبان انگلیسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و تاریخ نیز تدریس می‌شد که وی به آموختن آنها همت گماشت. پس از دانش آموختگی از این دانشکده به فراگیری کفایه و مکاسب پرداخت. کفایه را نزد پسر عموی پدر خود، شهید سید محمد باقر صدر و مکاسب را نزد سید محمد تقی حکیم و شیخ صدرا با کوی فراگرفت. آنگاه از درس خارج مراجع بزرگ نجف، آیت‌الله خویی، امام خمینی، شهید سید محمد باقر صدر و آیت‌الله سید محسن حکیم بهره‌مند گردید و در ۳۷ سالگی به دریافت گواهی اجتهاد از آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر نایل آمد. همچنین وی از برخی عالمان بزرگ هم چون شیخ آقابزرگ تهرانی و شیخ مرتضی آل یاسین صاحب اجازه روایت بود.

ایشان دارای آثار بسیاری است که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد؛ برخی از آنها عبارتند

از:

۱. دورة کامله فی علم الاصول (تقریرات خارج اصول آیت‌الله خویی).

۲. بحث المكاسب الاستدلالی (تقریرات خارج فقه امام خمینی).

۳. فقه الاخلاق.

۴. منة المئان فی الدفاع عن القرآن.

۵. نظرات اسلامیه فی اعلان حقوق الانسان.

۶. القانون الاسلامی: وجوده، صعوباته و منهجه.

۷. ما وراء الفقه.

۸. بحث حول الرجعة.

۹. كلمة فی البداء.

۱۰. منهج الصالحين.

۱۱. أضواء على ثورة الحسين عليه السلام.

۱۲. فلسفة الحج و مصالحه فی الاسلام.

۱۳. موسوعة الامام المهدي (تاریخ الغيبة الصغری، تاریخ الغيبة الکبری، تاریخ مابعد الظهور و اليوم الموعود بین الفكر المادی والدینی).

شهادت

آن عالم جلیل القدر در واپسین روزهای زندگی به منظور اعتراض به جنایات رژیم بعثی عراق، کفن پوش به قصد اقامه نماز جمعه به سمت مسجد کوفه که به دستور طاغوت عراق درهای آن بسته شده بود به راه افتاد. او موفق شد درهای مسجد را بگشاید و نماز جمعه را با حضور مردم اقامه نماید. رژیم بعثی که از این حرکت انقلابی به خشم آمده بود، سرانجام در سی ام بهمن ۱۳۷۷ خودرو حامل ایشان را مورد حمله قرار داد و آن بزرگوار و دو فرزندش را به شهادت رسانید. روحش شاد و منزل و مأوایش در نزد اجداد طاهرینش باد.

برای آشنایی با مباحث این کتاب و زاویه نگاه مؤلف، مقدمه آن گویاست و در اینجا به همین مقدار بسنده می نمایم که وی در برخی مسائل هم چون: معجزه، رجعت و حکومت اولیای صالح دارای دیدگاه خاصی است؛ که برخواننده فهیم پوشیده نخواهد ماند. همچنین در برخی مواضع کتاب از تأثیر غیبت در تکامل رهبری امام (ع) و تجربه تاریخی ایشان سخن رفته است که جداً محل تأمل است زیرا حضرت بقیه الله (ع) که به مددالهی حکومت برپا می کند، لذا افقی والا و برتر از انسان های عادی به مسائل می نگرد و ولایت او که جلوه ولایت الهی است، نسبتی با تجربه تاریخی ندارد.

در پایان درود و سلام می فرستیم بر آن قائم منتظر و عدل همه جا گستر؛ بر بهار زندگی انسان و طراوت روزگاران؛ بر آن که خدا به امت ها آمدنش را نوید داده است تا به دست او همه را پیرو یک دین سازد، و طرح اتفاق در همه جهان در اندازد.

حسن سجادی پور

پانزدهم شعبان المعظم ۱۴۲۶

۲۹ شهریور ۱۳۸۴

مقدمه مؤلف

شاید عجیب به نظر رسد که پژوهنده‌ای با پرداختن به مسائل فراطبیعی بخواهد تاریخ آینده جهان را در سطوری چند بنگارد. در نظر بسیاری از مردم، این تاریخ چیزی فراتر از نقل مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌های بی‌پایه و اساس نیست. و چه چیزی بدتر از این که پیش‌بینی‌های آن پژوهنده، دروغ از آب درآید و سستی اندیشه‌هایش بر ملا گردد.

در این صورت شاید بهتر باشد از چنین کاری صرف نظر نموده، زنجیره حوادث روزگار را به دست سرنوشت بسپارد و گمان مبرد که می‌تواند از وقایع آینده پرده بردارد و یا به عالم غیب نظر افکند.

از سویی دیگر این امکان نیز وجود دارد که یأس و ناامیدی از فراچنگ آمدن وقایع آینده را از فکر و ذهن زدود و در راه شناخت آن، با جدیت قدم برداشت. این تلاش اگر چه در حقیقت روایت‌گر وقایعی است ناآمده که تنها «آینده» می‌تواند آن را آشکار سازد، ولی هرگز مدعی شناخت عالم غیب نیست؛ هم‌چنان‌که پیش‌بینی صرفی که پایه و اساسی هم ندارد، نیست.

برای توضیح بیشتر این دیدگاه، آن را از جهات زیر بررسی می‌کنیم:

الف) اهمیت موضوع.

ب) روش استدلال.

ج) مشکلات موجود در این مبحث.

د) راه‌های برون رفت از این مشکلات.

الف) اهمیت موضوع

اهمیت این موضوع (تاریخ آینده جهان)، و امدار اهمیت بحث درباره امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛ زیرا این تاریخ یکی از شاخه‌های مباحث مهدویت است.

اساس شکل‌گیری اندیشه مهدویت چنان است که امام مهدی علیه السلام یگانه مصلح جهان در روزگاران آینده می‌باشد. و هموست که بساط ستم را برمی‌چیند و طومار تاریکی را در هم می‌پیچد و نور و سرور را به اهل زمین ارزانی می‌دارد. در نتیجه رواست که برای شناخت رفتارها و اقدامات این مصلح بزرگ در «روز موعود» و نیز روش‌ها و سیاست‌هایش در تدبیر و رهبری قیام جهانی،

مشتاقانه قدم برداریم.

اینجا دهها پرسش در برابر ما و هر کسی که با زندگی پیچیده و مدرن عصر جدید مواجه است، خودنمایی می‌کند.

آیا امام مهدی علیه السلام همین تشکیلات و نظم جهانی را با همه قلمروهای متفاوتش خواهد پذیرفت یا آن‌که او برای جهان چهره دیگری را ترسیم خواهد نمود و از نو عالمی دیگر خواهد ساخت؟

هرگاه این بررسی‌ها بتواند برخی از گره‌های بحث را بگشاید و به تعدادی از این پرسشها پاسخ دهد، ما به خواسته خویش رسیده‌ایم.

در این صورت، سخن از تاریخ پس از ظهور، یعنی: ۱- آگاه شدن از روز اصلاح جهان به دست امام منتظر علیه السلام و این نیز یعنی پرداختن به نتایج نهایی که اندیشه مهدویت، عهده‌دار تحقق بخشیدن به آنهاست؛ ۲- شرح و تبیین زندگی انسان آرمانی اسلام در آینده درخشانی که در انتظار اوست.

ایمان و باور ویژه به نظریه مهدویت - هم‌چون اعتقاد شیعه به غیبت طولانی مهدی موعود علیه السلام - پیش شرط مطالعه و پژوهش در این تاریخ نیست؛ زیرا می‌توان تصور نمود امام علیه السلام به وظایف خود پس از ظهور عمل کند، چه پیش از آن غایب بوده باشد و چه نباشد. ^۱ از این رو ثمرات این بحث شامل همه مسلمانانی می‌شود که به اندیشه مهدویت به شکل عام ایمان دارند؛ بلکه حتی نسبت به غیر مسلمانانی که منتظر منجی جهانی‌اند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

از زاویه‌ای دیگر، اهمیت بحث در آن‌جا آشکار می‌شود که تلاش کنیم هر آنچه در مورد حوادث و رویدادهای روز ظهور و پس از آن گفته شده یا می‌شود از افسانه‌ها و خرافات پاکسازی شود. هم‌چنین کوشش نماییم تنها به مطالبی که با دلیل به اثبات رسیده اکتفا و سخنان بی‌پایه و اساس را رد کنیم.

همچنین ثمره این بحث در ارتباط محکم بین روز موعود و اهداف بزرگی که عالم و آدم برای آن آفرید شده است آشکار می‌گردد؛ همان اهدافی که کاروان انبیا، اولیا، شهدا و همه مصلحان تاریخ، موظف به حرکت در آن مسیر بوده‌اند.

پس از این روشن خواهد شد که روز ظهور، یک رویداد تصادفی و غیر منتظره و یا یک تقدیر کور و بدون برنامه قبلی نیست، بلکه نتیجه طبعی اراده پروردگار در برنامه کلی خویش است که پیامبران در زمینه‌سازی آن مشارکت کرده و به خاطر آن، ادیان الهی را تبلیغ نموده و در راهش فداکاری و جانفشانی کرده‌اند.

ثمره دیگر بحث آن است که شخص پس از آگاهی از آن می‌تواند در مورد ویژگی‌های امام

۱. این صرفاً یک فرض است و گرنه همان‌طور که در تاریخ الغیبه الکبری (ص ۵۰۱ به بعد) گفته و استدلال آورده‌ایم، غیبت طولانی امام عصر علیه السلام در تکامل رهبری ایشان و اقدامات عدالت محور آن حضرت در روز موعود، تأثیرگذار می‌باشد.

مهدی علیه السلام و اقداماتش در عصر ظهور به اندازه کافی بیندیشد و دریابد که آیا آن که ادعای مهدویت دارد، همان مهدی موعود و رهبر قیام جهانی است یا مردی دروغگو و باطل اندیش.

ممکن است کسی در طول زندگی یا در مطالعات تاریخی اش، با ادعاهای متعدد مهدویت روبرو شود؛ در این صورت اگر این شخص از کسانی باشد که اندیشه مهدویت را به طور کلی و اجمالی قبول دارد و نه دقیق و جزء به جزء، در ابتدای امر درمی ماند که آن ادعاهارا راست بپندارد و یا دروغ؛ در نتیجه نخواهد دانست که آیا او همان مهدی منتظر است یا خیر.

اگر چه اندیشه اسلامی می تواند این مشکل را از طریق برهان کلامی حل کند ولی ما با گذر از این شیوه می توانیم آن را از راه استدلال تاریخی حل نماییم. این امر با تلاش برای تطبیق ویژگی هایی که از نظر تاریخی برای امام علیه السلام ثابت شده بر کسی که ادعای مهدویت دارد، امکان پذیر است. در نتیجه اگر آن ویژگی ها بر او منطبق گردید، وی مهدی موعود است.

حقاً جای تأسف است کسی مهدی موعود باشد اما افراد نتوانند او را بشناسند یا کسی به دروغ ادعای مهدویت بکند ولی دیگران نتوانند دروغگو بودنش را دریابند، و با پیروی از او به بیراهه کشیده شوند.

در نتیجه باید هر فردی، محک و معیاری عقیدتی و ملاک و میزانی تاریخی داشته باشد تا بتواند به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهد. اسلام هر دو معیار عقیدتی و تاریخی را در اختیار ما قرار داده است اما آنچه که محل بحث ماست، همان معیار و میزان تاریخی است.

اینها برخی از ثمرات این بحث است که به دلیل اهمیت به سزای آن، شایسته است به عنوان شاخه ای از معارف اسلامی و رشته ای از رشته های علوم انسانی مطرح گردد.

ب) روش استدلال

روش استدلال در این مباحث، تابعی است از نتایجی که می خواهیم به آنها برسیم. ما باید با شناخت نتایج و نیز موارد نیاز به آنها، استدلال هایی متناسب با آن را سامان دهیم. در زیر تقسیمات سه گانه ای را برای آن نتایج می آوریم:

الف) تقسیم از نظر جهت گیری اندیشه مهدویت؛ یعنی مشخص کردن مصلح منتظر در نظر فرد. در اینجا سه رویکرد وجود دارد:

۱. مصلح منتظری که غیر مسلمانان (مسیحیان، یهودیان، هندوان و...) با وجود اختلافشان در مورد شخص او و ویژگی هایش، بدان معتقدند.

۲. مصلح منتظری که همه مسلمانان باورش دارند. لقب او مهدی است؛ در زمان خویش به دنیا می آید و زمین را از عدل و داد می آکنند همان طور که از ستم و بیداد پر شده باشد.

۳. مصلح منتظری که امامیه چشم به راه اویند؛ او محمد بن الحسن بن علی علیه السلام امام غایبی است که

ظهور خواهد کرد و زمین را از قسط و عدل لبریز می‌نماید هم‌چنان‌که از ستم و جور آکنده شده باشد.

این سه رویکرد در جوهر خویش یکی است و اشاره به مفهومی واحد دارد که در برنامه کلی الهی مندرج است؛ ادیان گذشته به آن بشارت داده‌اند و اسلام آن را تأیید کرده است. البته این اختلاف‌ها ناشی از شرایط خاصی است که نوعی ارتباط با تربیت فکری بشر دارد.^۱

به هر روی شایسته است در استدلال بر وقایع آینده، از اصول مشترک و مسلم در بین این سه رویکرد بهره ببریم تا سخن ما برای آنها تا حد امکان، قابل قبول باشد. هر چند تا حد زیادی، شناخت اصول مشترکی که بیانگر مفهوم کلی مهدویت باشد، مشکل می‌باشد و این به دلیل عدم توافق بر امور مشترکی است که بتوان بحث را از آنجا آغاز کرد.

با این حساب، بررسی همه جزئیات حوادث روز موعود و اقداماتی که پیشوای منتظر به آن دست خواهد زد، نشدنی است ولی در نهایت آنچه به طور اجمال می‌توان شناخت و بر آن توافق کرد، «اجرای عدالت در زمین» است.

آری، اگر فقط به دیدگاه یهود و مسیحیت و اسلام در مورد مصلح منتظر بسنده کنیم، می‌توان از برخی اصول مشترک و مورد توافق آغاز کرد و به بعضی جزئیات وقایع روز موعود نیز رسید؛ مانند آن‌که در احادیث اسلامی آمده است: در آن روز، مسیح علیه السلام از آسمان فرود می‌آید.

اما از رهگذر رویکرد دوم و سوم می‌توان به جزئیات حوادث روز موعود، استدلال نمود و به اصول مشترک بسیاری دست یافت. در این استدلال‌ها، منبع مورد توافق آیات قرآن کریم است که وعده روزی را داده که اسلام عدالت محور، پیاده خواهد شد و نیز روایاتی که مورد پذیرش امامیه و غیر امامیه است.

گفتنی است اخبار امامیه، بسیار بیشتر از روایات غیر امامیه، به نقل حوادث پس از ظهور پرداخته است. به ویژه آنجا که از امام مهدی علیه السلام و یاران و اقدامات آن حضرت یاد می‌کند. گرچه در اخبار غیر امامیه هم در مورد مسیح علیه السلام، دجال و نشانه‌های قیامت فراوان سخن رفته است.

ب) تقسیم از لحاظ محدوده حوادثی که به دنبال دستیابی به آن و اثبات تاریخی‌اش هستیم. اگر در پی کلیات و نیز جزئیات تاریخ پس از ظهور و ذکر وقایع آن و سخنان افراد شاخص آن دوره باشیم، باید گفت این خواسته‌ای است غیر ممکن که فراراهش بن‌بست قرار دارد؛ زیرا در زنجیره اخبار تاریخ پس از ظهور، حلقه‌های فراوانی مفقود می‌باشد.

اینک اما پرداختن به آن جزئیات، نه اهمیتی دارد و نه مصلحتی و تنها آینده است که ظرف تحقق آن می‌باشد و خداوند بر ایجاد آن تواناست.

بدین ترتیب تحقق هر یک از نتایج بحث از تاریخ پس از ظهور، منوط به تبیین این قبیل جزئیات

نیست بلکه تنها شناخت اندیشه‌های کلی و وقایع مهم در آن دوره که در روایات آمده، به صورتی که بتوان آن را از لحاظ تاریخی اثبات نمود، کفایت می‌کند.

از این رو نمی‌توان از پژوهشگر تاریخ پس از ظهور، انتظار داشت که بیش از این وارد جزئیات شود؛ زیرا به مقتضای نوع کار و منابعی که در دسترس اوست، تنها می‌تواند به اندیشه‌های کلی و وقایع مهم بپردازد.

ج) تقسیم از جهت آنچه ما از لحاظ اثبات تاریخی به دنبال آن هستیم. گاهی ما در پی حصول اطمینان از وجود حادثه مشخصی هستیم و گاهی نیز به روایات معمولی برای اثبات آن حادثه معین بسنده می‌نماییم.

از این روی برای ما دو موضع وجود دارد:

موضع اول: هنگامی است که بخواهیم از وجود حادثه معینی که زمان وقوع آن پس از ظهور است، اطمینان حاصل کنیم. در این صورت می‌توان به منابع زیر تکیه نمود:

۱. ظواهر برخی از آیات قرآن کریم که به روشنی بر ویژگی‌های عدالت اسلامی و خیراتی که در صورت پیاده شدن احکام اسلامی به بشریت می‌رسد، دلالت می‌کند.

۲. روایات متعددی که همگی یک حادثه معین را نقل می‌کنند به طوری که یکی بر دیگری قرینه است و آن را تصدیق می‌کند و در مجموع، موجب اثبات تاریخی می‌باشد.

۳. اخباری که شیعه و سنی روایت کرده‌اند به شرط آن که بر نقل یک حادثه معین توافق داشته باشند. هرچند تعداد این روایات کم است ولی برای اثبات آن حادثه معین، کافی می‌باشد.

شرایط روایت و راویان در هر مذهبی، ویژه همان مذهب است و همین امر موجب اختلاف در نقل روایات می‌شود؛ در نتیجه هرگاه آنها برنقل مضمون خبری واحد توافق نمایند، تا حد بسیار زیادی از خطا و اشتباه دور خواهیم ماند.

۴. خبری که اصول اسلامی آن را تأیید می‌کند و در نتیجه برای اثبات تاریخی کافی می‌باشد. مانند اخباری که می‌گوید امام مهدی علیه السلام را همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، پیاده خواهد نمود. در نتیجه، این روایت و امثال آن مطابق نظر اسلام می‌باشد که آموزه‌هایش تا پایان زندگی بشر ماندگار است.

۵. قواعد کلی اسلامی که بر اساس آنها در علوم هم چون فقه و کلام، استدلال می‌شود. حال اگر این قواعد در محل خودش اثبات شود، براساس آن می‌توان به نتایجی رسید. مانند قاعده‌ای که صدور حکم قضایی را تنها پس از استماع سخن شهود و ارائه ادله جایز می‌داند که بر این اساس، روایاتی که می‌گوید: «امام مهدی علیه السلام بدون استماع سخن شهود و ارائه ادله، قضاوت می‌کند»، رد می‌شود. هم‌چنان‌که توضیح آن خواهد آمد.

در نتیجه هرگاه منابع فوق به همراه نتایجش گرد هم آیند، طرح کلی ما درباره تاریخ پس از ظهور

کامل می‌گردد و بدین وسیله خواهیم توانست هر آنچه را که در عصر ظهور، مهم و قابل توجه است اثبات نماییم.

نهایتاً بخشی از جزئیات حوادث روز موعود باقی می‌ماند که در موضع دوم اثبات می‌شود؛ زیرا منابع پیش گفته در موضع اول، از اثبات این جزئیات ناتوانند.

موضع دوم: هنگامی است که بخواهیم برای اثبات یک مسئله تاریخی به طور معمول به خبر واحد بسنده کنیم، این همان راهی است که برای فهم شماری از جزئیات حوادث به آن نیازمندیم؛^۱ گرچه ارزش این اثبات، بیشتر از ارزش خبر واحد نخواهد بود.

براین مبنا خواهیم توانست، برخی منابع را بپذیریم و برخی دیگر را رد نماییم. منابعی که آنها را می‌پذیریم عبارتند از:

۱. خبر واحدی که قرینه‌های اندکی آن را تأیید می‌کند، یا وجود دو روایت با یک مضمون، یا وجود دو سند برای یک روایت که یکی از آن دو قرینه‌ای است بر درستی دیگری.

۲. خبر واحدی که معمولاً در فقه پذیرفته می‌شود یعنی خبری که از طریق عده‌ای از راویان مورد وثوق، به نخستین راوی می‌رسد و در نتیجه می‌توان آن را به لحاظ موضع دوم، اثباتی کافی به حساب آورد، حتی اگر قرینه‌ای هم بر درستی آن وجود نداشته باشد. و اما منابعی که آنها را نمی‌پذیریم:

۱. خبری که اصول کلی اسلامی آن را رد می‌کند، خواه خبر واحد باشد و خواه خبر غیر واحد؛ خواه برگرفته از کتاب باشد، خواه برآمده از سنت و خواه از غیر آن دو.

۲. خبری که برایش معارضی یافت شود و این هنگامی است که دو خبر، یک واقعه را به دو صورت متفاوت و یا متضاد نقل کرده باشند.

در این گونه موارد اگر یکی از آن دو، بر دیگری رجحان داشته باشد (مثلاً مستفیض باشد یا با اصول کلی اسلام یا شواهد دیگر موافق باشد) آن را می‌پذیریم و دیگری را رها می‌کنیم و اگر در هیچ یک از آن دو رجحانی نباشد، هر دو خبر از ارزش اثبات‌گری تاریخی ساقط می‌شوند.^۲

۳. خبری که نه تأیید می‌شود و نه رد؛ مانند خبری که راویانش مورد وثوق نیست و محتوای آن نیز ارتباطی مستقیم با اصول کلی اسلام ندارد تا بتوان بر درستی یا نادرستی آن گواهی داد. در نتیجه، چنین منبعی صلاحیت اثبات تاریخی را ندارد.

بارد این منابع سه گانه، اخبار روز موعود از هر گونه دست‌برد، توهم و یا افسانه پردازی پالایش

۱. اثباتی که در تاریخ پس از ظهور (این کتاب) بدان نیازمندیم یا اثباتی که در تاریخ الغیبة الکبری (ص ۲۰۸) بنا نهاده‌ایم، فرق دارد. زیرا اثباتی که آنجا در نظر داشتیم، براساس رد هر گونه خبر واحد شکل گرفته بود که آن را ساخت‌گیری سندی نام نهادیم، چه در آنجا به امثال خبر واحد نیاز نداشتیم اما در این کتاب بدان سخت نیازمندیم؛ زیرا شماری از حوادث، تنها با خبر واحد نقل شده است و ما برای حفظ زنجیره کلی حوادث به آن‌ها نیاز داریم و این تفاوت، نتایج ملموسی را به دنبال دارد که پس از این خواهد آمد.

۲. العدر، سید محمّد، تاریخ الغیبة الصغری: ص ۲۸ به بعد و ص ۴۶ به بعد.

می‌گردد. بدین ترتیب، منابع مورد اتکای ما در کمال وضوح و روشنی خواهد بود و می‌توان از آنها برای عرضه تفکر مهدوی در جهان استفاده نمود.

ج) مشکلات موجود در این بحث

این مشکلات از جمله اقتضانات مبحث تاریخ پس از ظهور است. در این‌جا از مشکلاتی که به طور کلی به تاریخ غیبت برمی‌گردد^۱ و نیز مشکلاتی که به طور خاص به روایات وارده درباره امام مهدی علیه السلام مربوط می‌شود،^۲ سخنی نخواهیم گفت؛ زیرا در جای خود به آنها پرداخته‌ایم. بلکه فقط به طرح مشکلاتی که مختص به تاریخ پس از ظهور است، بسنده می‌کنیم. این مشکلات گاه در عنوان با آن مشکلات دیگر یکی است ولی از لحاظ ساختار و ارزش متفاوت می‌باشد.

این مشکلات را می‌توان چنین فهرست نمود:

مشکل اول: رمزی بودن روایات نقل شده درباره حوادث آینده در بسیاری از موارد، به ویژه در روایاتی که به شخص امام علیه السلام مربوط می‌شود؛ مانند این روایت: «هنگامی که پرچم او به اهتزاز درآید، شرق و غرب عالم با نور آن روشن می‌شود» یا این روایت که: «امام مهدی علیه السلام [دست بر سر مردم می‌نهد و عقل‌های آنها را کامل می‌نماید] و یا این حدیث که «پرچمش از پنبه و کتان نیست بلکه برگ‌های از برگهای [درختان] بهشتی است» و روایاتی از این قبیل.

مراد این روایات، حقایق نابی است که الفاظ آن در معانی متعارف خود، به کار نرفته است.^۳

مشکل دوم: کلی‌گویی عمدی در روایات و سکوت درباره برخی سخنان و کارهایی که پس از ظهور اتفاق خواهد افتاد، به طوری که معلوم است معصوم علیه السلام عمداً برخی حقایق درباره محتوای سخنان امام مهدی علیه السلام را در ابتدای ظهور در مسجدالحرام نیاورده است و یا خاموشی روایات درباره مضمون سخنان آن حضرت به هنگام ورود به عراق در مسجد کوفه و همچنین سکوت آنها در مورد بسیاری از مواعظ امام علیه السلام و نیز روش‌های آزمایش یارانش؛ بلکه تنها فرموده‌اند: «من به آنچه او (امام مهدی علیه السلام) به مردم می‌گوید، داناترم.» اما این که امام مهدی علیه السلام به مردم چه می‌گویند، راهی به دانستنش نیست.

مانند این روایت، روایاتی است که درباره یاران حضرت وارد شده است. معصوم علیه السلام می‌فرماید: «...و من نام آنها و پدرانشان را می‌دانم...» ولی از هیچ‌کدام از آنها نامی نمی‌برد.

مشکل سوم: وجود کاستی‌هایی در روایات و عدم رعایت زنجیره حوادث.

این اشکال اگر چه ویژه تاریخ پس از ظهور نیست ولی در این تاریخ، نمود و حضور بیشتری دارد و رعایت زنجیره زمانی شماری از حوادث، تقریباً ناممکن است. نیز بسیاری از اقدامات مهمی

۱. ر. ک: همان؛ ص ۲۲ به بعد.

۲. ر. ک: همان؛ ص ۴۲ به بعد.

۳. ر. ک: همان؛ ص ۲۱۲ به بعد.

که پس از ظهور انجام خواهد گرفت، به طور کلی مسکوت مانده است. گفتنی است هر چه از آغاز ظهور دور می‌شویم، وقایع نقل شده در اخبار، کم‌تر می‌شود و گسست در زنجیره روایات افزون‌تر می‌گردد؛ علاوه بر آن که بیان رمزی و کلی گویی نیز زیاد می‌شود.

بدین ترتیب حوادثی که کمی قبل و بعد از ظهور رخ می‌دهد، در حجم فراوانی از روایات به ما رسیده است؛ اما در دوره زمانی پس از آن، غیر از حوادث پراکنده و سخنان متفرقی که ترتیبی هم ندارند، حدیثی نقل نشده است.

هر چه از زمان ظهور دورتر می‌شویم و مثلاً به واقعه رحلت امام موعود علیه السلام و یا به جانشین پس از ایشان می‌رسیم، روایات بسیار بسیار کم‌تر می‌شوند.

پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام به چند سبب این مشکلات سه گانه را به طور عمد در سخنان خود درباره امام مهدی علیه السلام باقی گذارده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از وجود فاصله فکری و فرهنگی بسیار عمیق، بین عصر صدور روایات و دوره‌ای که این روایات درباره آن سخن گفته‌اند. رشد و تعمیق اندیشه اسلامی در خلال قرن‌های طولانی که بین این دو دوره قرار دارد و هم‌چنین رشد و تکامل بیشتر آن به دست امام مهدی علیه السلام، موجب گردیده که درک مسائل زمان ظهور برای مردمی که در عصر پیامبر و ائمه علیهم السلام می‌زیسته‌اند، ناممکن شود.

و از این رو طبق قاعده‌ای که می‌گوید: «با مردم به اندازه عقلشان سخن گو» مصلحت آن بوده که معصومین علیهم السلام از این مسائل با صراحت سخن نگویند.

مشکل چهارم آنجا ظهور می‌کند که ما بر اساس مذهب خود، روایات را در مسیر خاصی که می‌خواهیم پیش ببریم.

سخن درباره این مشکل - به حسب اینکه روایات نقل شده، گاه از منابع اهل سنت است و گاه از منابع امامیه - به دو بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول: روایات موجود در منابع اهل سنت؛ مانند: صحاح ششگانه و غیر آن. این روایات نیز که دربردارنده پیش‌بینی حوادث آینده است خود به چهار دسته، تقسیم می‌شود:

۱. روایاتی که قلمرو وسیعی دارند و جهت‌گیری‌های مهم فکری را نشان می‌دهند؛ هم‌چون فتنه و جنگ‌هایی که در طول این تاریخ واقع می‌شود و موضعی که هر فرد مسلمان باید در برابر آن داشته باشد؛ دجال و کارهایش و نیز عیسی بن مریم علیه السلام و فرود آمدن او از آسمان و جنگ‌هایش با دجال و یاجوج و ماجوج پس از گشودن سدی که در پشت آن زندانی شده بودند و هم‌چنین مضامینی از این دست که حجم فراوانی از روایات حوادث آینده را دربرمی‌گیرد. البته بخشی از این روایات به تاریخ غیبت کبری برمی‌گردد و ارتباطی با روز موعود ندارد ولی درباره مواردی که به تاریخ پس از ظهور برمی‌گردد مانند: فرود آمدن مسیح و... بحث خواهیم کرد.

۲. روایاتی که امام مهدی علیه السلام را فرزند فاطمه زهرا علیه السلام معرفی می‌کند و با بیان نام و ویژگی‌های

ظاهری او، وی را پُرکننده عدل و داد در زمین می‌داند. مجموع این روایات، بیش از حد تواتر است و وجود ایشان را به طور قطع ثابت می‌کند. ولی در بحث تاریخ پس از ظهور، این روایات تنها اندکی سودمند می‌باشد.

۳. اخباری که به توضیح نتایج اجرای کامل دین اسلام و ثمرات فراوانی که از عدالت حقیقی حاصل می‌شود، می‌پردازند؛ مانند روایاتی که بر فراوانی ثروت در آن دوره دلالت می‌کنند و یا روایاتی بدین مضمون که: «شخص در آن زمان دنبال کسی می‌گردد که زکاتش را به او بدهد ولی [به دلیل بی‌نیازی] کسی آن را نمی‌پذیرد.» و یا این که «در آن زمان رود فرات، کوهی از طلا را آشکار می‌سازد.» در صورتی که آن را به وسعت کشت و کار و فراوانی خیرات تفسیر کنیم.

این دسته از روایات در منابع اهل سنت، مقرون با نام «مهدی» و مسئله ظهور ایشان نیست ولی عقلاً و برهاناً امکان تحقق مضمون این روایات، جز در دوران پس از ظهور وجود ندارد.

۴. روایاتی که با یادکرد از نام و عنوان «مهدی» به بیان مصالح و نیز برخی ثمرات بزرگی که بر ظهور امام علیه السلام مترتب خواهد شد، پرداخته‌اند.

برخلاف صحاح ششگانه، در منابعی هم چون: المسند احمد بن حنبل و المستدرک حاکم و الاربعین حافظ اصفهانی و... این گونه روایات آمده است. بهترین مثال روایتی است که در این منابع با مضمون زیر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

این امت (امت اسلامی) در روزگار او (امام مهدی علیه السلام) از نعمت‌هایی برخوردار می‌شود که هرگز سابقه نداشته است و ساکنان زمین و آسمان از مهدی خوشنود خواهند شد.

شمار این گونه روایات، بسیار است اما در آنها کلی‌گویی و تا حدودی ابهام وجود دارد. این روایات هر قدر زیاد باشد، تنها بخش کوچکی از اقسام چهارگانه روایات اهل سنت را تشکیل می‌دهد.

بخش دوم: روایات موجود در منابع امامیه، که به نوعی با تاریخ پس از ظهور ارتباط دارند. رویکرد فکری حاکم بر این روایات، قومی و مذهبی است. بدین ترتیب که امام مهدی علیه السلام طبق آن نگاه مذهبی، به گفت‌وگو با مخالفان می‌پردازد و به خاطر آن می‌جنگد و هم چنین بر آن اساس، امتحانات پیچیده‌ای را از دیگران به عمل می‌آورد؛ گویی در دنیا به غیر از مسلمانان، انسان دیگری وجود ندارد. آری، این سخنی منطقی است که بگوییم امام مهدی علیه السلام مسلمانان را بر گرد محور «حق» می‌کشد که به آن اعتقاد دارد، جمع خواهد کرد و مردم را بر آن اساس، امتحان خواهد نمود؛ ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که به هر حال تلاش آن حضرت تنها معطوف به مسلمانان نخواهد بود؛ زیرا هم چنان که پس از این استدلال خواهیم کرد، دعوت او جهانی است و از سوی دیگر می‌دانیم که جمعیت غیر مسلمانان در ابتدای ظهور چندین برابر مسلمانان است و به همان دلیل نیز زمین تا آن روز آکنده از ظلم و جور خواهد ماند. در این صورت نتیجه می‌گیریم سعی و تلاش امام علیه السلام و یاران

خاصش در مورد سایر نقاط جهان، چندین برابر عنایت ایشان به مسلمانان یا دست کم به اندازه آن می‌باشد.

اما این که سعی و اهتمام ایشان برای مسلمانان، چندین برابر سعی و تلاش ایشان برای غیر مسلمانان می‌باشد (هم چنان که منابع امامیه بر آن دلالت دارد) امری نامفهوم است.

شاید بتوان در روایات برای امثال این رویکرد فکری، توجیهات کافی آورد اما به هر حال این روایات دربارهٔ موضع امام علیه السلام نسبت به غیر مسلمانان، مختصر و سر بسته است. مهم ترین توجیهی که ممکن است در این باره به عمل آورد، این است که: این روایات در واقع بازتابی از شرایط سیاسی - اجتماعی زمان صدور آنهاست. البته این به معنای جعلی بودن آن روایات نیست (زیرا هر روایتی بر طبق روشی که در جاهای دیگر باز گفته ایم، منطبق خاص خودش را دارد). بلکه مراد آنست که به دلیل شرایط ظالمانه عصر اموی و عباسی که اصحاب ائمه علیهم السلام با آن دست به گریبان بودند، در میان شیعیان چنین انعکاس یافته بود که امویان و عباسیان، نماینده سایر مذاهب اسلامی اند. از این رو به مسائل مذهبی، بیش از حد واقعی پرداخته می شد و بدین جهت هواداران ائمه علیهم السلام بیش از جهات دیگر، نیاز داشتند که به مدد ائمه معصومین علیهم السلام، روحیه خویش را بالا ببرند. برای این هدف، راهکارهایی را در نظر گرفتند؛ از جمله: اعلام مواضع امام مهدی علیه السلام در مورد مسائل مذهبی و سرپوش نهادن بر سایر مواضع و کارهای ایشان که ارتباط زیادی با آن مسائل نداشته، هر چند ممکن است در حکومت جهانی آن حضرت از اهمیت بالایی نیز برخوردار باشد.

آن روایات، عمق و گستره ای جهانی داشت و مردم زمان صدور آنها، قادر به فهم کامل آن نبودند و طبق اصل «با مردم به اندازهٔ عقلشان سخن گو» امامان معصوم علیهم السلام نمی توانستند درباره حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بیش از این سخن گویند.

به هر روی، این مشکل راه حلی ندارد و درباره روابط امام با غیر مسلمانان، جز مطالبی بسیار اندک در روایات چیزی نیامده است.

مشکل پنجم: نقص شخص پژوهشگر؛ چون او فقط نماینده یک مرحله از مراحل متعدد رشد و بالندگی اندیشه اسلامی است.

برای روشن شدن این مطلب، نکاتی را در پی می آوریم:

نکته اول: مفهوم اندیشه اسلامی، در دو سطح مستقل قابل طرح است:

سطح اول: اندیشه اسلامی به عنوان مجموعه ای از حقایق و قوانین، آن چنان که خداوند متعال و پیامبر او و ائمه علیهم السلام آن را معرفی کرده اند. این همان اندیشه برتر اسلامی و طرح و برنامه کامل و عادلانه برای زندگی انسان است.

سطح دوم: اندیشه اسلامی که عالمان و متفکران مسلمان در طول اعصار مختلف مطرح ساخته اند. این اندیشه که ریشه در کتاب و سنت دارد، تا حد فراوان برگردان و حکایتی از سطح اول و

برآمده از آن است.

مقصود اساسی آن است که بتوان امت اسلامی را نسل در نسل از طریق تمرین و دقت و رزی در سطح دوم - که نمادی از سطح اول است - در راستای فهم و اطاعت پذیری از سطح اول، تربیت کرد. اندیشه اسلامی در سطح دوم خود همواره در راه رشد و تعمیق هر چه بیشتر قرار دارد و از این رو درست است که گفته شود: هر یک نسل یا چند نسل از امت اسلامی، نماد یک مرحله از مراحل سیر اندیشه اسلامی است که همواره در حال رشد و بالندگی می باشد. و باید پذیرفت اندیشه اسلامی - هم چنان که بر پژوهشگران این حوزه، پوشیده نیست - هنوز به کمال خود نرسیده و حتی پاره ای از مسائل وجود دارد که هرگز به آنها پرداخته نشده است.

نکته دوم: هر اندیشمندی به طور طبیعی، فرزند زمانه ای است که در آن می زید و هر چند نبوغ و استعداد فراوانی هم داشته باشد، نمی تواند زمان را در نوردد و مدعی شود که به سطح اول اندیشه اسلامی رسیده یا ادعا کند که او از درجه بیداری و فرهنگی ای که نسل های آینده اسلامی برخوردار خواهند شد، بهره مند است؛ همان فرهنگی که بر اساس کشف اشتباهات گذشته و ترمیم کاستی های موجود در آن، سر پا می ایستد.

در این صورت هر پژوهنده ای به عنوان نماد یک مرحله از مراحل رشد اندیشه اسلامی، به طور طبیعی و ذاتی دارای این نقص است که نمی تواند از سطح خویش فراتر رود. در حالی که امام مهدی علیه السلام - با وجود فرهنگها و افکار و قوانینی که در هنگام ظهورش، همه جا را فرا گرفته - نماد و نماینده سطح اول اندیشه اسلامی است و به طور کامل سطح دوم را به سطح اول ارتقا داده و پیوند می زند؛ هم چنان که اخبار امامیه بر این مطلب، تصریح کرده اند و دیگر مذاهب اسلامی هم معترفند که آن حضرت، اسلام را همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشته، پیاده خواهد نمود.

مشکل از آنجایی سر بر می آورد که پژوهنده ای بخواهد به آنچه فراتر از عصر و زمانه خویش است، بیندیشد و به شناخت حقیقت فردی کامل و جامعه ای عادلانه دست یابد.

نکته سوم: پس از شناخت کاستی ها و مشکلاتی که در اخبار تاریخ پس از ظهور وجود دارد، باید آنها را به کمک اصول شناخته شده اسلامی، در چند زمینه زیر حل و رفع نماییم:

۱. فهم متون به طور عام.

۲. درک تعبیرات رمزی و تأویلی.

۳. تلاش برای شناخت رویکردهای عمومی که امام مهدی علیه السلام بر آن اساس در دو عرصه اجتماعی و قانون گذاری، حرکت خواهند کرد.

۴. ترجیح برخی متون روایی بر برخی دیگر.

... و سایر زمینه ها.

پس از بیان این نکات سه گانه، روشن می شود که هر پژوهشگری به میزان بهره مندی اش از

فرهنگ اسلامی و به اندازه رشد اندیشه اسلامی در عصر او، خواهد توانست کاستی‌های موجود در روایات را پر سازد؛ ولی امکان ندارد که وی به عین شرایط و وضعیت موجود در زمان پس از ظهور - یا همه ژرفا و گستره‌اش - برسد؛ به‌ویژه آن‌که در شماری از روایات آمده است که امام مهدی علیه السلام امری جدید، کتابی جدید و حکومت جدیدی را خواهد آورد.

شاید از روشن‌ترین مثالها برای این موضوع، مطلبی باشد که محی‌الدین ابن عربی درباره تاریخ پس از ظهور بیان نموده است. او گمان برده که امام مهدی علیه السلام به اصلاح جهان همت می‌گمارد در حالی که نه دستیارانی دارد و نه قانونی [جدید] را خواهد آورد.^۱

در واقع او به اندازه سطح تفکر اسلامی‌اش سخن گفته است و ما اینک که اندیشه اسلامی ژرفای بیشتری یافته است، آن سخن را در نهایت ناآشنایی و غرابت می‌یابیم.

مشکل پنجم تنها در بحث از تاریخ پس از ظهور، چهره می‌نماید و گر نه در تاریخ غیبت صغری و کبری. این مشکل وجود ندارد؛ زیرا آن دو دوره سپری شده و یا می‌شوند و ابعاد و جوانب آنها معلوم است و هر اندیشمند اسلامی می‌تواند مباحث آنها را سامان دهد؛ ولی تاریخ پس از ظهور چنین نیست؛ زیرا عالمان و پژوهشگران از درک ژرفای حقیقی آن ناتوانند.

مشکل ششم: هنگام نقد و بررسی روایاتی که حوادث پس از ظهور را شرح می‌دهد، گاه به ذهن خطور می‌کند که آن حوادث بر پایه معجزه استوار می‌گردد؛ در حالی که تصدیق آن آسان نیست. از اینرو فهم همه جانبه این احادیث مشکل می‌شود.

گفتنی است این مشکل را نمی‌توان در فهرست مشکلات واقعی تاریخ پس از ظهور جای داد؛ زیرا مشکلات پیشین، حقیقتاً موجب نقص و کاستی بحث بوده و پژوهشگر را ناچار می‌سازند که واقعیت را بپذیرد اما این مشکل چنین نیست و در واقع نقطه ضعف، در نزد اندیشمندانی است که معجزه را معتبر نمی‌دانند؛ زیرا در شمار مهمی از آن روایات، به طور کلی به هیچ معجزه‌ای اشاره نشده است و تنها اقدامات امام مهدی علیه السلام و دستاوردها و تعداد یاران او و... گزارش شده که اساساً در آنها از معجزه خبری نیست.

اما شایسته است در میان آن روایات، آنهایی را که بر معجزه دلالت دارند یک به یک مورد بررسی دقیق قرار داد؛ در نتیجه هر کدام مطابق قانون معجزات بود،^۲ پذیرفته و هر کدام که از حدود قانون معجزات بیرون بود، رد شود و از صلاحیت اثبات تاریخی ساقط گردد.

بنابر این، مشکل ششم از اهمیت قابل توجهی برخوردار نیست و تنها پنج مشکل نخست دارای اهمیت می‌باشد که باید تا حد امکان برای رفع آنها و جلوگیری از تأثیرات منفی‌شان، به بررسی و ارائه راه حل پرداخت.

۱. ابن عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیة: ج ۳، ص ۳۲۷ به بعد.

۲. ک: العدد، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری: ص ۳۷.

د) راه‌های برون رفت از این مشکلات

هم‌چنان که پیش از این نیز اشاره کردیم، پاسخ قاطع به این مشکلات به صورت کلی و جزئی توسط پژوهشگری که معاصر با دوران ظهور یا پس از آن دوران نیست، امکان‌پذیر نیست.

به همین دلیل بهتر است به ناتوانی این بحث از احاطه به ژرفای حقیقی روز موعود و جزئیات حوادث آن اعتراف کنیم؛ در نتیجه نهایت تلاش ما این خواهد بود که اندیشه‌های کلی و اقدامات اساسی در آن زمان را از طریق روایاتی که به ما رسیده و اصولی که می‌شناسیم، ترسیم نماییم.

بهترین شکل برون رفت از این مشکلات، اتخاذ دو روش مترتب بر یکدیگر است:

روش اول: رفع و حل مشکلات از طریق اصول کلی برگرفته از قرآن و سنت. برای این کار، تمامی روایاتی را که در منابع این تاریخ (تاریخ پس از ظهور) وجود دارد بر فهم متعارف از اسلام عرضه می‌کنیم. مراد از فهم متعارف از اسلام، همان فهم برآمده از قرآن و سنت است که یا دلیلی از آیات و روایات دارد و یا استدلالی عقلی و برهانی.

به مدد اصول زیر، می‌توانیم به نتیجه‌هایی قطعی برای حل این مشکلات دست یابیم:

۱. تلاش برای درک عبارات رمزی موجود در روایات به طوری که با فهم درست از اسلام هماهنگ باشد. این در جایی است که فهم ظواهر این روایات، اساساً امکان نداشته باشد و گرنه برداشت‌های رمزگونه هم‌چنان‌که در آموزه‌های اسلامی ثابت شده است، معمولاً مبنایی برای باورهای نادرست و انحرافی از اسلام می‌باشد.

هنگامی که بین کنار گذاشتن این روایات و یا تأویل آنها مردد باشیم، تأویل صحیح آنها بهتر است؛ و چرا چنین نباشد در حالی که می‌دانیم استفاده از تعبیرات رمزی و تأویلی در کلام پیامبر و ائمه علیهم‌السلام مرسوم و متعارف بوده است، به‌ویژه که سخنان آن گرامیان از میزان درک شنوندگان بالاتر بوده است. هم‌چنان‌که در مورد روایات حوادث پس از ظهور، وضع این چنین است.

۲. سعی در پرکردن فضاهای خالی و کاستی‌های موجود در این تاریخ، با عنایت به این که می‌دانیم امام مهدی علیه‌السلام به طور طبیعی پس از ظهور براساس اصول کلی اسلامی عمل خواهد نمود؛ هرچند روایات - در نتیجه شرایط خاص - به آن تصریح نکرده باشند.

اما کاستی‌های فراوانی باقی می‌ماند که می‌توانیم همه یا بخشی از آنها را از طریق روش دومی که به زودی می‌آوریم اصلاح نماییم و بدون به کارگیری این روش، ترمیم آن نقایص ممکن نخواهد بود. همان‌طور که پس از این خواهد آمد با استفاده از این دو روش، خواهیم توانست بخش مهمی از آن نقص‌ها را جبران نماییم.

۳. رد هر خبری که مخالف نصوص و اصول کلی اسلامی باشد (البته تا وقتی که مستفیض یا متواتر نباشند).

۴. دست‌یابی به برخی امور که روایات درباره آنها ساکتند و به رویکردهای کلی دولت جهانی امام مهدی عج مربوط می‌شوند. به این امور می‌توان پس از رفع مشکل پنجم تا حد امکان دست یافت.

۵. در پرتو اصول کلی، تلاش برای فهم ارتباط بین حوادثی که ربط آنها با یکدیگر در نقل‌هایی که به ما رسیده واضح و روشن نیست؛ یا کوشش برای مرتب کردن ترتیب زمانی آن حوادث، در صورتی که آن ترتیب در اخبار لحاظ نشده باشد.

روش دوم: هنگام فقدان اصول کلی، تنها راه رسیدن به نتیجه، ارائه طرحهای احتمالی است؛ به این صورت که دو یا سه احتمال قوی‌تر در مورد مشکلی که وجود دارد ارایه گردد. در این حالت ما باور قطعی به هیچ‌کدام از آن احتمالات نداریم گرچه در اغلب موارد می‌توانیم با گردآوری قرائن، یکی از آنها را ترجیح داده و برگزینیم.

در صورتی که با کمک اصول کلی نتوانیم به نتیجه برسیم، با این روش خواهیم توانست به برخی نتایج دست پیدا کرده، باقی مشکلات را حل نماییم.

آری، تنها دو مطلب باقی می‌ماند که تأمل بیشتری را می‌طلبد:

۱. نگاه مذهبی که در اخبار امامیه پررنگ می‌باشد اگرچه در عصر صدور آن اخبار توجیه داشته اما در عصر حاضر، ارزش اجتماعی خویش را از دست داده است؛ زیرا حکومت امام مهدی عج جهان شمول و برای همه انسان‌هاست.

اگر بخواهیم به شیوه‌ای جامع و کامل به مبحث تاریخ پس از ظهور بپردازیم، روانیست که صرفاً بر این مطلب تأکید ورزیم و دیگر جنبه‌های آن را رها سازیم.

نکته مهم: پس از قبول این دسته خبرها که براساس برداشت امامیه از مهدویت، شایستگی اثبات تاریخی را دارند می‌توانیم با دو روش، بر این رویکرد مذهبی سرپوش بینیم:

روش اول: هرگاه تلاش کنیم تا کاستی‌های موجود در روایات را ترمیم نماییم و بر ارتباط امام مهدی عج با مردم و دولت‌های غیرمسلمان جهت آماده‌سازی آنها برای پیوستن به دولت جهانی استدلال بیاوریم. آنگاه خواهیم توانست رویکردهای کلی و آثار بسیار ارزشمندی را که بر این موضوع بار می‌شود، درک نماییم و نهایتاً دلالتی واقعی از این‌گونه اخبار به دست دهیم. بی‌تردید امت اسلامی، رهبری کاروان بشریت را در مسیر عدالت کامل به دست خواهد گرفت. با تلاش این امت، امام مهدی عج جهان را فتح خواهد نمود و دعوت مقدسش را در سراسر آن منتشر خواهد ساخت. به این منظور، امت اسلامی باید همه ظرفیت‌های خود را متناسب با این مسئولیت عظیم افزایش دهد؛ در غیر این صورت تلاش‌هایش در سطح جهان بی‌ثمر خواهد ماند و در نهایت برنامه کلی الهی مخدوش خواهد شد. از این روست که در برنامه کلی الهی، بر تربیت این امت - چه در عصر غیبت و چه در عصر ظهور - بسیار تأکید شده است.

ثمره این تربیت در عصر غیبت، بر آمدن گروهی از مؤمنان است که در رکاب آن حضرت جهان

را فتح خواهد نمود. این در حالی است که عموم بشریت گرفتار کژری و سرکشی و ستم و بیداد می‌باشد حتی امت اسلامی نیز از این انحرافات برکنار نیست و با این وصف امکان ندارد چنین امتی که اکثریت افرادش به کژری ره می‌پویند بر کرسی رهبری جهان تکیه زنند. البته باید برای ارتقای مرتبه اخلاص آن‌ها اقدام شود تا آن‌که امت اسلامی به سرعت در جایگاه رهبری جهان قرار گیرد. این امر نیازمند اقدامات گسترده نظامی و فکری - فرهنگی است اما لازم است بدانیم امام موعود علیه السلام با مسلمانانی وارد چالش خواهند شد که منحرف باشند هر چند از لحاظ فکری - و نه عملی - با امام علیه السلام هم مذهب باشند.

روش دوم: بیان نکردن هرآنچه که موجب تحریک عواطف مذهبی و شعله‌ور شدن آتش کینه بین پیروان مذاهب اسلامی می‌گردد. هرچند که با این سکوت کاستی‌هایی در این تاریخ پدید آید. البته تعداد این روایات فرقه گرایانه زیاد نیست و آنها نیز اسناد درستی ندارند؛ پس نباید بی‌توجهی به آنها موجب تأسف گردد.

۲. حقیقتاً یک پژوهنده نمی‌تواند ژرفای حقیقی روز موعود را درک نماید. از این روست که راه بر روی شناخت جزئیات برنامه‌ای که امام علیه السلام اعلام خواهد کرد و نیز عمق واقعی فرهنگ فرد مسلمان و جامعه اسلامی در آن زمان، بسته است و تنها می‌توان به شیوه اجمال و به شکل قضایای کلی از رویدادهای آن روز بزرگ سخن گفت.

پس از آگاهی از محورهای پنجگانه، به روشنی می‌توانیم سستی اشکالی را که در ابتدای این مقدمه آورده شد، مبنی براین که «طرح این بحث، بیهوده و تیر افکندن در تاریکی است» درزاییم. ثمرات بحث تاریخ پس از ظهور را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا هر یک از آن‌ها (که در ذیل محور اول از این مقدمه آوردیم)، به تنهایی کافی است که ما را برای ورود به این مبحث قانع سازد. اما این که «تیری در تاریکی» باشد، چنین نیست؛ زیرا ما این تاریخ را از منابع و اصول کلی اسلامی دریافت می‌کنیم و هرگز ادعای غیب‌گویی نداریم. آری، اخباری که از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده و ما بر آنها تکیه می‌کنیم، حاوی اخبار غیبی و حوادث آینده نیز می‌باشد که خداوند به آنها تعلیم فرموده است. هم‌چنان‌که در تاریخ گذشته نیز بر چنین روایاتی اعتماد کرده و درستی آنها را اثبات کرده‌ایم. حتی برخی از آنها از چنان درستی و صحتی برخوردار است که می‌توان بر آن اساس عقاید اسلامی را ثابت کرد، چه رسد به موضوع مهدویت.^۱ در نتیجه اگر بعضی از آن خبرها را بتوان تصدیق کرد، بعید نخواهد بود که بتوانیم همه آنها را نیز پذیرفته و تصدیق نماییم. اما در مورد این اشکال که «معلوم نیست این پیشگوییها تحقق پیدا کند یا نه» باید گفت این بستگی به استحکام و قوت ادله‌ای دارد که ارائه می‌کنیم که برخی به‌طور قطع نتیجه می‌دهد و برخی دیگر به ظن قوی. گرچه هر دو آنها شایستگی اثبات تاریخی را دارد.

عناوین بخش‌ها و فصل‌های کتاب

این کتاب به سه بخش کلی تقسیم می‌شود:

بخش اول: نشانه‌ها و مقدمات ظهور

گفتار اول: مبانی کلی ظهور (مسائل اصلی که روز موعود بر مبنای آنها پدید می‌آید).

فصل اول: ارتباط روز ظهور با برنامه کلی الهی برای بشریت

فصل دوم: تأثیرات غیبت کبری در دوران پس از ظهور، نسبت به خود امام مهدی علیه السلام و نیز

اصحاب ایشان و هم‌چنین تمام بشریت.

فصل سوم: تعیین زمان ظهور از نظر شرایط و نشانه‌ها، و نتیجه تحقق آن‌ها در پس از ظهور و

اشاره به این که بیان این شرایط و نشانه‌ها، به معنای تعیین زمان ظهور که در روایات از آن نهی شده،

نیست.

فصل چهارم: نگاه امام مهدی علیه السلام به هستی، زندگی و قانون‌گذاری.

فصل پنجم: برنامه خداوند برای دوران پس از ظهور.

گفتار دوم: حوادث نزدیک به زمان ظهور، از قبیل: شورش سفیانی، فتنه دجال، کشته شدن نفس

زکیه، صیحه و ندای آسمانی و....

در مورد سه حادثه نخست، در کتاب تاریخ الغیبة الکبری به اندازه کافی بحث کرده‌ایم ولی در

این کتاب، تحلیلی جدید از آنها بدست خواهیم داد.

بخش دوم: حوادث مربوط به ظهور و برپایی دولت جهانی تا وفات امام مهدی علیه السلام

گفتار اول: حوادث ظهور از آغاز تا حرکت امام علیه السلام به عراق

فصل اول: معنای ظهور و چگونگی آن.

فصل دوم: امکان و زمان ظهور.

فصل سوم: اولین سخنرانی امام علیه السلام به همراه شرح نبردهای آن حضرت.

فصل چهارم: تعداد یاران امام علیه السلام و ویژگی آنها و چگونگی گرد آمدنشان.

فصل پنجم: دستاوردهای قیام امام علیه السلام تا هنگام رسیدن به عراق.

گفتار دوم: فتح جهان

فصل اول: منطقه‌ای که امام علیه السلام قیام جهانی‌اش را از آنجا آغاز می‌نماید.

فصل دوم: گستره حکومت مهدی موعود علیه السلام.

فصل سوم: او چگونه می‌تواند با یارانی اندک در برابر ابرقدرت‌هایی که دارای نیرو و امکانات

فراوانند، بایستد؟

فصل چهارم: چگونگی و مدت زمان فتح کامل جهان؛ از ابتدای ظهور تا زمان تشکیل دولت

جهانی.

فصل پنجم: مواضع اشخاص و گروه‌ها در برابر او.

فصل ششم: مدت حکومت ایشان.

گفتار سوم: دولت جهانی امام مهدی علیه السلام

فصل اول: کتاب و قضاوت جدید

فصل دوم: موضع امام علیه السلام در مسائل سیاسی و اجتماعی

فصل سوم: ضمانت‌های اجرایی سریع، برای پیاده کردن عدالت کامل در جهان.

فصل چهارم: فرماندهی یاران حضرت و میزان شایستگی و ظرفیت آنها.

فصل پنجم: تزکیه و تربیت امت و یاران امام علیه السلام توسط ایشان.

فصل ششم: روش امام علیه السلام در تربیت امت.

فصل هفتم: بیان دستاوردهای امام علیه السلام در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی.

فصل هشتم: موضع امام علیه السلام در برابر اهل کتاب و مشارکت مسیح علیه السلام با آن حضرت در رهبری

جهانی.

گفتار چهارم: پایان زندگی امام علیه السلام.

بخش سوم: جهان پس از امام مهدی علیه السلام

گفتار اول: ویژگی‌های کلی دولت و جامعه در آن روزگار.

گفتار دوم: پایان زندگی بشر و بررسی صحت و سقم این روایت که: «قیامت جز در زمان مردمان

تبهکار برپا نمی‌شود.»

در بخش سوم، بحث را نسبتاً خلاصه کرده‌ایم؛ زیرا در کتاب بعدی خود (اليوم الموعود بین

الفکر المادی والدینی) به طور مفصل به آن پرداخته‌ایم.

نام کتاب حاضر را تاریخ پس از ظهور نهاده‌ایم؛ زیرا قصد داریم تاریخ بشریت را از زاویه زمانی

ظهور امام و پس از آن بنگریم و اگر هم به نشانه‌های ظهور و خود واقعه ظهور می‌پردازیم، از

آن روست که اینها مقدمات تاریخ پس از ظهور می‌باشند.